

نقش سرمایه اجتماعی در هویت بخشی محله‌ای از منظر کارکرد فضاهای عمومی مطالعه موردی شهر ساری*

محمد مهدی نصیری خلیلی^۱، محمدرضا زند مقدم^۲، سید جمال الدین دریاباری^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۰۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۰۹

چکیده

شکل‌گیری تعاملات اجتماعی نیازمند یک ظرف مکانی است. فضاهای عمومی می‌تواند به واسطه‌ی افزایش میزان ارتباطات، همگرایی افراد و گروه‌های مختلف، فراهم کردن بستر فعالیت‌ها و اتفاقات گوناگون و در نتیجه القای خاطره‌ی جمعی در میان اهالی محله، به شکل‌گیری نوعی حس هویت، تعلق خاطر و حس مکان بیانجامد که همگی از مؤلفه‌های شکل‌دهنده‌ی سرمایه‌ی اجتماعی می‌باشند. در مقاله‌ی حاضر سعی شده رابطه‌ی میان سرمایه‌ی اجتماعی، فضاهای عمومی و هویت‌بخشی محله‌ای، ابعاد گوناگون این مسأله به روش تبیینی بیان شود. لذا بررسی نحوه‌ی اثرگذاری ابعاد کالبدی و اجتماعی فضا بر مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی چون اعتماد و تعاملات و نیز مشارکت حادث در شبکه‌های اجتماعی می‌تواند تبیین‌کننده‌ی نقش فضاهای عمومی در سرمایه‌ی اجتماعی و هویت‌بخشی محله‌ای باشد که این پژوهش از طریق آزمون‌های همبستگی و رگرسیون در نرم‌افزارهای minitab-spss انجام داده است. نتایج حاصل از داده‌های نمونه‌ی آماری که از طریق پیمایش میدانی با ابزار پرسش‌نامه در محدوده‌ی فضاهای عمومی محلات شهر ساری به

* این مقاله مستخرج از تز دکتری آقای محمد مهدی نصیری خلیلی با عنوان "تبیین نقش سرمایه اجتماعی در

فضاهای عمومی شهری با تاکید بر هویت بخشی محله‌ای (نمونه موردی شهر ساری)" می‌باشد.

۱. دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران

Mehdi.nasiri39@gmail.com

۲. استادیار گروه جغرافیا، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان نویسنده مسوول:

mr.zand@semnaniau.ac.ir

۳. استادیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران

sj.daryabary@semnaniau.ac.ir

دست آمده است، نشان می‌دهد که اثرگذاری شاخص‌های سرمایه‌ی اجتماعی با بیشترین سهم رضایتمندی شهروندی با ضریب ۰/۳۳۲، اعتماد اجتماعی با ضریب ۰/۱۶۴، کمترین سهم احساس امنیت با ضریب ۰/۰۳۹۴ در تبیین هویت‌بخشی متفاوت بوده است. بنابراین بهبود در شرایط کالبدی و اجتماعی فضاهای عمومی از بعد تعاملات و مشارکت اجتماعی به اثرگذاری مثبت بر روی هویت‌بخشی در سطح جوامع محله‌ای می‌انجامد.

واژه‌های کلیدی: سرمایه‌ی اجتماعی؛ هویت محله‌ای؛ فضاهای عمومی؛ شهر ساری.

مقدمه

از گذشته‌های دور محله‌های مسکونی در شهرها، به عنوان سلول‌های حیات شهری دارای نقش اساسی در زندگی ساکنان آن‌ها بوده‌اند. با توجه به اینکه در گذشته محله‌های شهری، مکانی برای گرد آمدن افراد با ویژگی‌های قومی - نژادی، مذهبی، اقتصادی، اجتماعی و... مشترک بوده است، به دنبال تجمع بیشتر افراد با ویژگیهای مشترک در یک محدوده، از شهر دارای هویت خاص و شناخته شده‌ای که سبب تمایز آن از دیگر بافت‌های اطراف می‌گردید. همین عامل سبب ایجاد فضاهای عمومی محله‌های شهری با کارکرد و عملکردهای خاص شده که بافت آن را نیز از محدوده‌های اطراف متمایز می‌گرداند (بیضایی و همکاران، ۱۳۹۶: ۴).

محله‌های شهری از گذشته یکی از کانون‌های شکل‌گیری هویت‌های جمعی و به وجود آمدن حس تعلق اجتماعی در افراد محلی بوده است. (ربیعی نژاد و ارغان، ۱۳۹۶: ۲). بسیاری از برنامه‌ریزان معتقدند که حیات یک شهر به حیات فضاهای عمومی محله‌های آن بستگی دارد و یا شناخت عناصر سازمان‌دهنده‌ی فضاهای عمومی محله‌های شهری می‌تواند در یافتن ایده‌های نو، متناسب با زمان در جهت پدیدآوری احساس تعلق به محیط زندگی افراد در محله‌های در راستای رسیدن به آرامش فردی و جمعی تلاش نمود.

مطالعات و تجارب جهانی نشان می‌دهند که فضاهای عمومی محله‌های شهری محملی برای بروز ارزش‌های فرهنگی و بستری برای تعاملات اجتماعی و عرصه‌ای برای هویت‌سازی و هویت‌پذیری شهروندی به شمار می‌آیند که می‌بایست در ابعاد کالبدی، مورد ارزیابی و بهبود قرار گیرند. محله به عنوان یک کلیت، برای هویت‌مندی نیاز به اجزای هویتی چون تمرکز، قلمرو، عرصه‌ی درونی و بیرونی و شناسایی دارد و فضاهای عمومی شهری به عنوان بستر کالبدی حضور شهروندان و برقراری تعاملات، نقش مؤثری در شکل‌گیری و تقویت این اجزا در محله ایفا می‌کنند.

از سوی دیگر بعد اجتماعی این فضاهای عمومی شهری به واسطه‌ی تسهیل تعاملات اجتماعی، همگرایی افراد و گروه‌های مختلف و فراهم کردن بستر فعالیت‌ها و اتفاقات گوناگون، در شکل‌گیری و تقویت هویت فردی و جمعی، تعلق مکانی، خاطرات جمعی و تقویت حوزه‌ی عمومی محله ای مؤثرند (ماجدی و دیگران، ۱۳۹۳: ۴۰). براساس مطالعات فضای عمومی محله‌های شهری کشورهای مختلف جهان و سنجش نظریات شهروندان، چهار عامل اساسی دسترسی و بهم پیوستگی، آسایش و منظر، کاربری و فعالیت و اجتماع‌پذیری در کیفیت فضاهای عمومی محله از اهمیت بیشتری برخوردار است. در این میان عوامل و مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی در شکل‌دهی فضاهای عمومی محله‌ها نقش مؤثری ایفا می‌کنند. سرمایه‌ی اجتماعی یک شرط لازم برای شکل‌گیری هویت فضاهای عمومی محله‌های شهری است (شیعه و پورحیدری، ۱۳۹۳: ۳). بنابراین آنچه به عنوان یک ویژگی در اجتماعات منسجم محلی اهمیت قابل توجهی دارد، وجود تعاملات اجتماعی میان ساکنین در جهت ایجاد همبستگی اجتماعی است که پایه‌ی شکل‌گیری سرمایه‌ی اجتماعی خواهد بود. شکل‌گیری تعاملات اجتماعی یا روابط چهره به چهره نیازمند یک ظرف مکانی است. درحقیقت، فضاهای عمومی محله‌های شهر می‌تواند به واسطه‌ی افزایش میزان ارتباطات چهره به چهره و در نتیجه القای خاطره‌ی جمعی در میان اهالی محله، به شکل‌گیری نوعی حس هویت، غرور، تعلق خاطر و حس مکان بیانجامد که همگی از مؤلفه‌های شکل‌دهنده‌ی سرمایه‌ی اجتماعی می‌باشند.

در دهه‌های اخیر با توجه به تغییر نقش شهرها از صنعتی به خدماتی، رشد بدون برنامه و ناموزون شهری به دلیل مهاجرت‌های بی‌رویه و افزایش جمعیت دچار دگرگونی و تحولات بسیاری در فضاهای عمومی محله‌های شهری شده‌اند. نتایج آن ایجاد محله‌های تازه تأسیس شهری و تخریب محله‌های کهن شهری و واحدهای خدماتی در لبه‌ی محله و در کنار خیابان‌های تازه-احداث به جای دورن محله شده است (غروی الخوانساری، ۱۳۹۳: ۶۲). بدون توجه به پیشینه و ماهیت محله‌های سنتی شهر و غلبه‌ی عوامل مادی بر عوامل معنوی طراحی و همچنین غلبه‌ی ماشین بر انسان در طراحی‌ها سبب شده تا در فرآیند برنامه‌ریزی، طراحی و توسعه‌ی این شهرها مفهوم هویت محله، مفهومی کاملاً غریب و بی‌معنا شده و از سوی دیگر دارا بودن ویژگی‌های محله‌های شهری مانند (عدالت اجتماعی، حس تعلق، جمع‌گرایی و...) کمتر در محله‌های امروزی شهرها مشاهده می‌شود. وضعیت محلات شهر ساری با توجه به ویژگی‌های فضاهای عمومی آن-ها از این قاعده مستثنی نیست. این پژوهش جهت سنجش نقش سرمایه‌ی اجتماعی در هویت-

بخشی محله‌ای از منظر کارکرد فضاها‌ی عمومی صورت گرفته که شهر ساری به عنوان مورد مطالعه در نظر گرفته شده است. این پژوهش در پی پاسخ‌گویی به سوالات ذیل طرح شده است:

شاخص‌های سرمایه‌ی اجتماعی در بین محله‌های شهر ساری در چه سطحی قرار دارد؟
شاخص‌های سرمایه‌های اجتماعی در هویت‌بخشی فضاها‌ی عمومی محله‌های شهر ساری چه نقشی دارد؟

راهکارهای مناسب جهت ارتقای هویت فضاها‌ی عمومی محله‌های شهر براساس مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی کدامند؟

پیشینه‌ی پژوهش

کارلین ویتینیک، لینکی فاندراجر، روسالیوان دام، جان هاسینک و ایرینی سالویردا (۲۰۱۹) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی نقش سرمایه‌ی اجتماعی در ابتکارات شهروندان شهری در هلند» در مناطق شهری در لس پائیز باجوس» به این نتیجه رسیده‌اند که ابتکارات پیرامون یک ایده یا هنجارها و ارزش‌های مشترک شکل می‌گیرد. برای ظهور و شکل‌گیری یک ایده، یک شبکه‌ی موجود از روابط لازم است. همچنین روابط اجتماعی می‌تواند در نتیجه‌ی یک ابتکار عمل افزایش یابد. سطحی از اعتماد اجتماعی باید از ابتدای ابتکار عمل وجود داشته باشد. برای تداوم ابتکار عمل، ارتباطات قوی درون گروهی است. در نتیجه سرمایه‌ی اجتماعی در ابتکارات شهروندان هم پیش شرط شکل‌گیری ابتکارات است و هم نتیجه‌ی وجود ابتکارات.

دبی لاجر^۱ و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهشی تحت عنوان «فهم سرمایه‌ی اجتماعی افراد مسن در محل: موانع و فرصت‌ها برای تعاملات اجتماعی در محله» معتقدند سرمایه‌ی اجتماعی یک مفهوم مورد استفاده در تحقیقات و سیاست عامل افزایش ارزش ارتباطات اجتماعی برای سلامتی و رفاه افراد مسن شده است. در این تحقیق با ارائه‌ی یک فضای جغرافیایی مناسب جهت سنجش میزان سرمایه‌ی اجتماعی در افراد مسن، محله‌ی زندگی‌شان با توجه به متن زندگی روزانه‌ی آن‌ها در نظر گرفته شده است. در این پژوهش یک مصاحبه نیمه‌سازمان یافته با ۱۷ نفر از افراد مسن در یک محله‌ی زندگی‌شان، شهری در شمال هلند به منظور نشان دادن معانی، موانع و فرصت‌ها برای تعاملات اجتماعی محلی انجام شده است.

سیام بارنیلا^۱ (۲۰۱۴) پژوهشی تحت عنوان «مقایسه‌ی تطبیقی کیفیت شهری، فضای عمومی و سرمایه‌ی اجتماعی: سه شهر اندونزی» انجام داده است. نتایج مطالعه‌ی آزمایشی که در سال اول از میزان کیفیت شهری و سرمایه‌ی اجتماعی با مقایسه‌ی سه شهر اندونزی (سورابایا، سورا کارتا، بندنگ) انجام شد، نشان داد که به طور کلی در سطح اول، شهر سورابایا دارای کیفیت محیط شهری بسیار بالا و شهرهای سورا کارتا، بندنگ دارای کیفیت شهری متوسط می‌باشند. در سطح دوم میزان سرمایه‌ی اجتماعی از جامعه‌ی انسانی در فضای عمومی، عموماً در سطوح بالای جامعه بیش‌تر از سطوح پایین جامعه می‌باشد. بنابراین به دلیل مشارکت مردمی و شدت فعالیت در فضاهای عمومی محله‌های شهری عامل تقویت سرمایه‌ی اجتماعی در محله‌ها می‌شود.

فرانسیس، جاکینتا^۲ و دیگران (۲۰۱۲) پژوهشی تحت عنوان «نقش فضاهای عمومی در ایجاد حس اجتماعی» در منطقه‌ی پرت در استرالیا غربی انجام دادند. یک احساس قوی در جامعه همواره با افزایش سلامت، افزایش احساس ایمنی و امنیت، مشارکت در امور جامعه و مسوولیت مدنی همیشه وجود دارد. هرچند عامل محیط زیست در افزایش احساس علاقه و حس اجتماعی بسیار مؤثر است. تحقیقات تجربی‌ای در مورد بررسی ارتباط حس افراد جامعه و کیفیت عمومی فضا در جامعه وجود دارد. این مطالعه به بررسی رابطه‌ی فضاهای عمومی بسته و فضاهای عمومی فضای باز: مراکز اجتماعی، مدارس و مغازه‌ها و حس اجتماعی در ساکنان توسعه‌ای جدید در منطقه‌ی شهری پرت در استرالیا غربی پرداخته است. بررسی نشان داد که درک کیفیت از فروشگاه‌های محله رابطه‌ی مثبت و معناداری با حس اجتماعی افراد دارد. فضاهای عمومی با کیفیت بالا عامل حس اجتماعی در ساکنان جامعه و توسعه مسکن جدید را امکان‌پذیر می‌نماید.

آکرام آجلا^۳ (۲۰۱۲) پژوهشی تحت عنوان «آیا فضای عمومی ایجاد سرمایه‌ی اجتماعی می‌کند؟» انجام داده است. این پژوهش به بررسی سرمایه‌ی اجتماعی و ارتباط میان زندگی شهری، بافت اجتماعی، موضوعات تعاملی در فضاهای عمومی شهر به عنوان فضاهای نمادین و نقش سرمایه‌ی اجتماعی در ایجاد این فضاهای عمومی شهر و نیز پرداخته است. فضاهای این شهر به عنوان فضای تعاملات، ملاقات، جشن و منعکس‌کننده‌ی آن‌ها در نظر گرفته شده است.

1 Siam Barnilla
2 Francis, Jacquita
3 Akram Ajla

نیکولاس همیلتون^۱ (۲۰۱۱) در پژوهشی تحت عنوان «فضای عمومی و سرمایه‌ی اجتماعی در میان محله‌های قدیمی: هشت محله‌ی واقع در سانتیاگو، شیلی» به بررسی رابطه‌ی بین فضاهای عمومی شهری و تشکیل سرمایه‌ی اجتماعی را در محله‌های پرجمعیت با خانواده‌های فقیرنشین با جمعیت بیش از حد در شهر سانتیاگو، شیلی اخیراً احداث شده پرداخته است. تحلیل متغیرهای تحقیق نشان می‌دهد افزایش استفاده از فضای عمومی، اثر مثبتی بر ایجاد سرمایه‌ی اجتماعی داشته و به اعتماد اجتماعی و انسجام اجتماعی بین ساکنین شهر سانتیاگو، شیلی - یکی از کشورهای آمریکای لاتین - منجر شده است.

روح‌اله رحیمی و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله‌ای تحت عنوان رابطه‌ی حس تعلق به مکان و مشارکت در ارتقای سرمایه‌ی اجتماعی سکونت‌گاه‌های غیر رسمی (مطالعه‌ی موردی: ترک محله شهر ساری) به تحلیل عوامل مؤثر در شکل‌گیری هویت مکانی می‌شود، پرداختند. بر اساس نتایج تحقیق، مدل تأثیرگذاری حس تعلق مکانی در افزایش سرمایه‌های اجتماعی از طریق متغیر واسطه - ای مشارکت مردمی بهتر از بقیه این روابط را تبیین می‌کند، به عبارت دیگر در یک رابطه‌ی علی غیر مستقیم، تقویت حس تعلق مکانی باعث افزایش مشارکت و افزایش سرمایه‌ی اجتماعی می‌شود. بنابراین می‌توان گفت، داشتن جامعه‌ای با سرمایه‌ی اجتماعی بالا و مشارکت آگاهانه‌ی شهروندان مستلزم وجود حس تعلق به مکان، محله و شهر است و یکی از راه‌های افزایش این حس نیز توانمندسازی محله از طریق مشارکت مردمی است.

محمد سلاورزی زاده و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان تحلیل و ارزیابی نقش سرمایه‌ی اجتماعی در توسعه‌ی پایدار محله‌ای (مطالعه‌ی موردی: شهر ایلام)، به بررسی نقش سرمایه‌های اجتماعی و مؤلفه‌های آن در توسعه‌ی پایدار محله‌ای پرداختند. نتایج حاصل از بررسی فرضیه‌ها بیان می‌کند که متغیرهای هنجارگرایی، مشارکت مدنی، انسجام اجتماعی تأثیر مثبت و معناداری در توسعه‌ی پایدار محله‌ای شهر ایلام دارند. متغیرهای اتصال به شبکه‌های اجتماعی و امنیت اجتماعی اثر معکوسی در توسعه‌ی پایدار شهر ایلام دارند و متغیر اعتماد اجتماعی در توسعه‌ی پایدار شهر اثری ندارد.

محمدحسین سرائی و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله‌ای تحت عنوان «ارزیابی هویت محله‌ای در شهر جهرم» به تحلیل عوامل مؤثر در هویت محله‌ای پرداختند، براساس نتایج تحقیق، مهم‌ترین عامل کیفیت خدمات‌رسانی در بخش هویت محله‌ای بیش‌ترین اهمیت را دارد. دومین عامل مهم، متغیر شناخت هویت کالبدی محله است که با اندکی فاصله از متغیر کیفیت خدمات‌رسانی قرار دارد. متغیرهای امنیت، میزان مشارکت و همبستگی‌های درونی ساکنان محله، مخاطرات زیبایی‌شناختی محله و تعهد در حفظ کالبد محله در مرحله‌ی بعدی‌اند.

الهام کاکاوند و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «ارزیابی تطبیقی جایگاه سرمایه‌ی اجتماعی در ساختار محلات شهری با استفاده از تکنیک AHP (مطالعه‌ی موردی: شهر قزوین)»، با اتخاذ رهیافت تطبیقی به ارزیابی مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی در معیارهای آگاهی، مشارکت و اعتماد اجتماعی در بین محلات مختلف شهر قزوین پرداخته‌اند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که شهروندان در مناطق مختلف شهر قزوین نسبت به شرایط و ویژگی‌های متفاوت موجود در بافت سکونت‌ی خود دارای درجه‌ی متفاوتی از روابط و پیوندهای اجتماعی گسترده، مشارکت اجتماعی و عضویت‌های سازمانی لازم و اعتماد فراگیر اجتماعی به عنوان عناصری ضروری برای تشکیل سرمایه‌های فرهنگی نمادین و اجتماعی هستند. در بافت مرکزی شهر بالاترین میزان سرمایه‌ی اجتماعی نسبت با سایر محلات و در بافت قدیمی نیز با فاصله‌ای کم نسبت به بافت مرکزی میزان سرمایه‌ی اجتماعی در سطح متوسط و قابل قبول می‌باشد. این در حالی است که بافت نوساز شهری پایین‌ترین میزان سرمایه‌ی اجتماعی را به خود اختصاص داده و همچنین بافت محلات مسکونی پراکنده با تراکم پایین شهری و همچنین سکونت قشر کم‌درآمد جامعه بر میزان سرمایه‌ی اجتماعی در فضا تأثیرگذار بوده است.

حمید ماجدی و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله‌ای تحت عنوان «تأویل کارکرد شناختی فضاهای عمومی محله ای از منظر هویت نمونه‌ی موردی: محله‌ی نازی آباد و مهران تهران»، در این تحقیق محققین تلاش دارد تا روشنگری را در خصوص کارکرد فضاهای عمومی در پشتیبانی از هویت محله‌های شهری ایجاد کند. به این منظور دو محله‌ی نازی آباد و مهران که وجوه مشترکی از منظر سال‌های شکل‌گیری و طبقه‌ی اجتماعی ساکن و وجوه افتراقی در سازمان فضایی و کمیت و کیفیت فضاهای عمومی خود دارند، مورد مطالعه‌ی تطبیقی قرار گرفتند. در تبیین چارچوب نظری پژوهش از نظرات

و آرای صاحب‌نظرانی چون راپاپورت^۱، رالف^۲، کارمونا^۳، لینچ^۴ و گل^۵ بهره گرفته شد. نتایج پژوهش برآمده از خلال پرسش‌گری‌ها و مصاحبه‌های عمیق، نشان از نقش به‌سزای فضاهای عمومی در تولید و پشتیبانی از معیارهای برسازنده‌ی هویت در محله‌های شهری دارد.

مبانی نظری پژوهش

سرمایه‌ی اجتماعی

مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی برای نخستین بار در دهه‌ی ۱۹۸۰ توسط جیمز کلمن مطرح و پس از آن جامعه‌شناسانی چون فوکویاما^۶ (۱۹۹۶) و گیدنز^۷ (۱۹۹۰) آن را بسط دادند. در نتیجه از اواسط دهه‌ی ۱۹۹۰ میلادی سرمایه‌ی اجتماعی به یکی از مؤلفه‌های اصلی پارادایم جدید توسعه تبدیل شد. سرمایه‌ی اجتماعی، از جمله مفاهیمی است که در دوران جدید مورد توجه علوم مختلف قرار گرفته است؛ به طوری که بسیاری از برنامه‌ریزان و مدیران، آن را یکی از مشخصه‌های توسعه‌ی محلی به شمار می‌آورند. تقویت سرمایه‌ی اجتماعی موجب تحرک و تشریک مساعی بین گروه‌های اجتماعی، توسعه و بهبود پایه‌های دموکراسی در سطوح پایین، ایجاد اعتماد به نفس در سطوح فردی و اجتماع محله‌ای، افزایش مشارکت اجتماعی، ازدیاد رهبران بومی - محلی و بالاخره ایجاد حالتی می‌شود که در آن، مشکلات اجتماعی به وسیله‌ی خود اعضای محله حل می‌شود(هنرور و همکاران، ۱۳۹۴: ۴۳). سرمایه‌ی اجتماعی در دو دهه‌ی گذشته به عنوان یکی از شاخص‌ترین مفاهیم در علوم اجتماعی و برنامه‌ریزی شهری پدیدار گشته است. جیمز کلمن^۸ سرمایه‌ی اجتماعی را قدرت و توانایی مردم در برقراری ارتباط با یکدیگر به شمار می‌آورد. از نظر کلاوس^۹، اندیشمند مکتب فرانکفورت، اعتماد و هماهنگی اجتماعی، دو کارکرد عمده در سرمایه‌ی اجتماعی به شمار می‌رود که اعتماد موجب آزادی بیش‌تر و به کارگیری بیش‌تر توانمندی و خلاقیت شهروندان، فائق آمدن بر عدم کارآیی آیین‌نامه‌ها و مقررات و احساس امنیت می‌شود(کلمن، ۱۹۹۸: ۲۴۳).

¹ Rapapor

² Ralph

³ Carmona

⁴ Lynch

⁵ Gel

⁶ Fukuyama

⁷ Giddens

⁸ James Coleman

⁹ Clause

سرمایه‌ی اجتماعی از دو بخش ساختی (شبکه‌های اجتماعی) و هنجاری (اعتماد؛ آگاهی و هنجارهای مقوم همکاری و روابط متقابل) تشکیل می‌شود. در صورتی سرمایه‌ی اجتماعی دارای اثرات مثبت است که این عناصر کنار یکدیگر عمل کنند (پاک سرشت، ۱۳۹۳: ۸۶). سرمایه‌ی اجتماعی با شاخص‌هایی چون اعتماد اجتماعی، مشارکت، انسجام و همبستگی، آگاهی و روابط اجتماعی تعریف می‌شود. اعتماد اجتماعی به عنوان یکی از جنبه‌های مهم روابط انسانی، زمینه‌ساز مشارکت و همکاری میان اعضای جامعه (حیدرآبادی، ۱۳۸۹: ۴۰)، مشارکت اجتماعی انجام فرآیندی سازمان‌یافته که از سوی افراد جامعه به صورت آگاهانه، داوطلبانه و جمعی با در نظر داشتن هدف‌های معین و مشخص به منظور سهیم شدن در منافع (ازکیا و همکاران، ۱۳۸۰: ۴) و شاخص‌های انسجام و همبستگی، آگاهی و روابط از عوامل مؤثر بر روابط اجتماعی است (رضایی و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۱) که افراد از طریق این مقوله‌ها موفقیت‌هایی را به دست می‌آورند که به تنهایی قادر به دست یافتن به آن‌ها نیستند (شایگان و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۰۳).

در مجموع سرمایه‌ی اجتماعی را می‌توان به عنوان یک عامل مؤثر در افزایش و کارایی سایر اشکال سرمایه‌ی انسانی، اقتصادی و کالبدی دانست که از یک طرف، انسجام بخش روابط میان انسان‌ها با سازمان‌ها و شبکه‌های ارتباط جمعی و گروهی به شمار می‌رود و از طرف دیگر بستر مناسبی برای بهره‌برداری سرمایه‌های انسانی، فیزیکی و موفقیت جامعه فراهم می‌کند (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۲۲).

محله و هویت محله‌ای

مفهوم محله در برخورد نخست تداعی حوزه‌ی جغرافیایی پیچیده در شبکه‌ی فضایی شهر است که دارای کاربری در مسکونی و انواع دیگری از کاربری‌های اداری، تجاری، خدماتی و مانند آن است. واقعیت جامعه‌شناختی محله به مراتب پیچیده‌تر است. به نظر جامعه‌شناسان، معرف‌های سنتی محله با واحد حیات جمعی و جامعه‌پذیری در ارتباط است. محله را می‌توان پس از خانوار (خانواده) کوچکترین واحد «مدنی»^۱ (صرف نظر از مجتمع مسکونی) محسوب کرد. به نظر لوفور^۲ محله به وسیله‌ی نیروی اجتماعی سازمان می‌یابد که به ارائه‌ی الگوی شهر مبادرت می‌کند

^۱ Civil

^۲ Luffor

و موجب توسعه‌ی آن می‌شود. لذا محله یک شکل سازمانی فضا و زمانی شهر است (آنامرادنژاد و همکاران، ۱۳۹۶: ۷).

«محله مفهومی جغرافیایی و اجتماعی است. از نظر فیزیکی قسمتی از شهر است که به وسیله‌ی مرزهایی مشخص شده است که این مرزها می‌توانند شبکه‌ی راه‌ها، رودخانه‌ها، کانال‌ها، فضاهای باز باشند و دارای گونه‌های یکسانی از واحدهای مسکونی و یک مرکز تجاری یا مذهبی در مرکز آن قرار دارد. از نظر اجتماعی دارای ساکنانی است، که از نظر طبقه‌ی اجتماعی یا قومیت دارای تشابه باشند (منصور رضایی و همکاران، ۱۳۹۰: ۷۰).

در باب اهمیت هویت، همواره مردم خود را از طریق ویژگی‌های مختلفی چون تعلق به یک گروه اجتماعی یا قومی خاص، یک منطقه یا یک محله معرفی می‌کنند. مردم به منظور توانایی در انجام وظایف خود در جامعه، نیاز به حس هویت و تعلق به یک منطقه‌ی خاص، محله یا یک گروه دارند. در همین راستا توجه به این که چگونه هویت‌های محله‌ای شکل می‌گیرد در مباحث شهرشناسی اهمیت پیدا می‌کند (رابرتسون و همکاران، ۲۰۰۸). جهت تفهیم مفهوم هویت مؤلفه‌هایی چون قلمروگرایی، دلبستگی به جامعه و دلبستگی به مکان به کار برده می‌شوند (برهم و همکاران، ۲۰۰۶). این مؤلفه‌ها در کنار عواملی چون روابط اجتماعی محلی، داشتن تصویر روشنی از محله و حس تعلق به محله از مباحث هویتی در مطالعات مختلف می‌باشند (ماجدی و همکاران، ۱۳۹۳: ۴۳).

بخشی از شخصیت وجودی هر انسان که هویت فردی او را می‌سازد، مکانی است که خود را با آن می‌شناسد و به دیگران می‌شناساند. انسان هنگامی که راجع به خود فکر می‌کند خود را متصل به مکانی می‌داند که در آن زیست می‌کند و آن مکان را بخشی از خود می‌شمارد. میان فرد و زندگی - اش رابطه‌ای عمیق وجود دارد که پاکزاد این رابطه را به خود همانی با فضا تعبیر می‌کند. بر این مبنا هویت مفهومی نسبی است که یک سر آن به انسان بر می‌گردد و سر دیگرش در محیط تعریف می‌شود (قاسمی، ۱۳۸۳: ۷۰-۶۹). هویت مکان، بخشی از هویت شخصی تعریف می‌شود. هویت مکان در اثر تجربه‌ی مستقیم محیط فیزیکی رشد می‌یابد. بنابراین بازتابی از وجوه اجتماعی و فرهنگی مکان است. رابطه‌ی میان انسان و مکان دوطرفه است. زیرا کنش و خواست انسانی را به فضا مرتبط می‌سازد (والماسلی، ۱۹۹۰: ۶۴).

فضاهای عمومی و نقش آن در ساخت هویت محله‌ای

به باور رابرت کوان^۱، منظور از فضاهایی عمومی آن دسته از فضاهایی هستند که در دسترس عموم بوده؛ مردم به صورت رایگان می‌توانند از آن‌ها استفاده کنند و لذت ببرند. وی چنین فضایی را به سه دسته‌ی خیابان‌ها، میدان‌ها و پارک‌ها تقسیم‌بندی می‌کند (کوان، ۲۰۰۵: ۵). از دید والرز^۲ فضای عمومی فضایی است که در آن با غریبه‌ها سهیم هستیم. مردمی که اقوام، دوستان یا همکار ما نیستند. فضایی برای هم‌زیستی مسالمت‌آمیز، بیان‌کننده‌ی زندگی جمعی، فرهنگ شهری و مباحث روزمره بوده و بر آن‌ها تأثیر می‌گذارد (حبیبی، ۱۳۸۲: ۳۷).

فضای عمومی به عنوان بخشی از عرصه‌ی عمومی به شمار می‌آید. به طوری که همگان حق دسترسی به آن را داشته و توسط یک سازمان عمومی در خدمت منافع عموم تأمین و اداره می‌شود (دلار، ۲۰۱۴: ۴). چنین فضایی بستر مشترکی است برای نمایش کنش‌ها و واکنش اجتماعی افراد جامعه، فعالیت‌های روزمره؛ فضایی که بیانگر فرهنگ شهر و زندگی جمعی است و بر آن‌ها تأثیر می‌گذارد. به باور توسلی، فضاهای شهری به دلیل جریان همیشگی فعالیت‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی یا سیاسی در آن‌ها، به عنوان قلب تاریخ شهر پدیدآید و سرگذشت شهر را رقم زده‌اند (توسلی و بنیادی، ۱۳۷۱).

فضای عمومی یک قسمت حیاتی از زندگی روزانه‌ی ما را در شهر تشکیل می‌دهد. خیابان‌هایی که برای رسیدن به محل کار یا مدرسه یا دانشگاه و غیره از آن‌ها عبور می‌کنیم؛ مکان‌هایی که بچه‌ها بازی می‌کنند؛ جایی که از طبیعت بهره می‌گیریم و پارک‌های محلی که در آن‌ها ورزش می‌کنیم. به عبارتی دیگر هر جایی که ما را برای لحظه‌ای از شلوغی زندگی روزانه‌ی کاری برهاند فضای عمومی است. لپیتون فضای عمومی را با عنوان «اتاق زندگی بیرونی»^۳ و مرکز تفریح و فراغت بیرون از خانه^۴ تعریف می‌کند (لپیتون، ۲۰۰۳: ۱). هرچند نقش فضاهای عمومی در یکپارچگی و یک‌دستی شهر کاملاً مشهود است؛ اما کیفیت بالا و مثبت زندگی شهری در خیابان‌ها و فضاهای باز، شرطی لازم برای جامعه است؛ به طوری که مردم را قادر می‌سازد تا از تعاملات اجتماعی لذت ببرند. از دست دادن فضای عمومی در شهرها منجر به پیامدهای مهم اجتماعی خواهد شد که

¹ Robert Cowan

² Walrez

³ Exterior living room

⁴ Outdoor leisure center

آتکینسون و بلندی^۱ از آن با عنوان حرکت رو به پایین و تنزل روابط اجتماعی شهری نام می‌برند (آتکینسون و باندی، ۲۰۰۵: ۱۷۹). فضاهای عمومی در شهر زمینه‌ی مشارکت مردم را فراهم آورده و آن‌ها را با هم مرتبط می‌سازند. شرط اساسی برای این که یک فضای عمومی، فضای شهری تلقی شود این است که در آن تعامل و تقابل اجتماعی صورت گیرد. روی همین اصل هیبرت^۲ تنها راه حل ممکن برای ایجاد ارتباطات عمومی را نه روزنامه‌ها و وسایل ارتباط جمعی بلکه در حوزه‌ی فعالیت فضاهای همگانی می‌داند (هیبرت، ۲۰۰۵: ۳).

از تعاریف فضای عمومی چنین برداشت می‌شود که فضای عمومی بر دسترسی بدون محدودیت به فضا یا فعالیت‌های متنوع تأکید دارد که در نتیجه‌ی این دسترسی محدود نشده تعامل اجتماعی شکل می‌گیرد. بنابراین فضای عمومی را می‌توان فضایی تعریف کرد که ۱- مردم بدون محدودیت به آن دسترسی دارند؛ ۲- فعالیت‌هایی در آن صورت می‌پذیرد؛ ۳- یک سازمان عمومی آن را کنترل می‌کند؛ ۴- فضایی است که در جهت منافع عموم تأمین و اداره می‌شود.

فضاهای عمومی به عنوان بستر کالبدی حضور شهروندان و برقراری تعاملات اجتماعی ایشان در محلات، نقش عمده و مهمی را از دو نقطه نظر کالبدی ادراکی و اجتماعی ایفا می‌کنند. چراکه محله به عنوان یک کلیت، برای هویت‌مندی نیاز به اجزای هویتی چون تمرکز، قلمرو، عرصه‌ی درونی و بیرونی و شناسایی دارد و فضاهای عمومی به واسطه‌ی مکان شدن خود، نقش مؤثری در شکل‌گیری و تقویت این اجزا در محلات ایفا می‌کنند. از دیگر سو بعد اجتماعی این فضاها به واسطه‌ی تسهیل تعاملات اجتماعی، همگرایی افراد و گروه‌های مختلف و فراهم کردن بستر فعالیت‌ها و اتفاقات گوناگون، در شکل‌گیری و تقویت هویت فردی و جمعی، تعلق مکانی، خاطرات جمعی و تقویت حوزه‌ی عمومی در محلات مؤثرند. محققانی چون جین جیکوبز اعتقاد دارند فضاهای عمومی در آگاهی و رشد مدنیت در جوامع نقش به‌سزایی ایفا می‌کنند. (ماجدی و همکاران، ۱۳۹۳: ۴۵).

چهارچوب مفهومی پژوهش

سرمایه‌ی اجتماعی یکی از مؤلفه‌های اصلی پارادایم جدید توسعه است که در دو دهه‌ی اخیر بسیار مورد توجه قرار گرفته است. سرمایه‌ی اجتماعی منبعی است که میراث روابط اجتماعی بوده

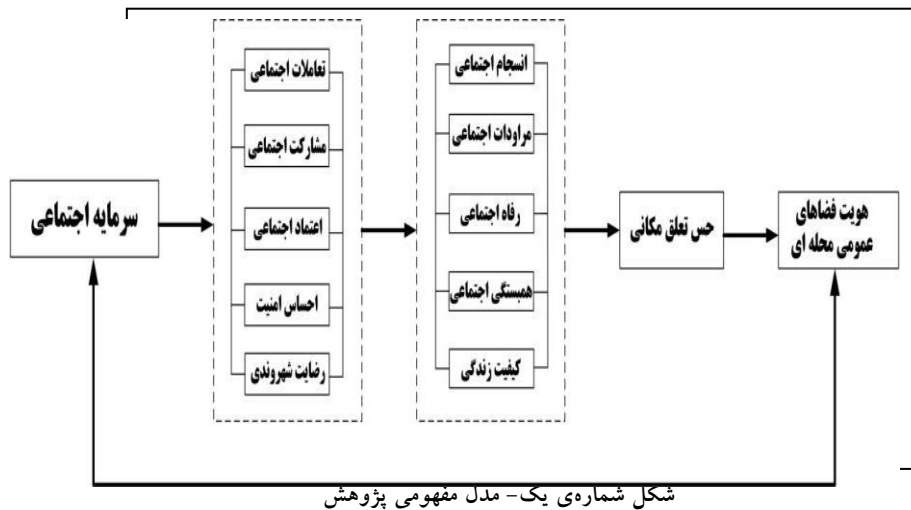
¹ Atkinson and Height

² Luffor

و کنش جمعی را تسهیل می‌کند. این منبع از طریق اجتماعی شدن مناسب حاصل می‌شود. محله‌ها در ساختار شهر امروز، می‌توانند مینا و بستری مناسب برای افزایش و یا کاهش این مؤلفه‌ی ارزشمند قلمداد شوند. محله‌ها به عنوان یکی از مهم‌ترین فضاهای شهری، مکان شکل‌گیری تعاملات اجتماعی و مراودات شهروندی، مکانی برای شکل‌دهی و تقویت یکپارچگی، انسجام و همبستگی اجتماعی، فرصتی برای گسترش فرهنگ مشارکت و افزایش حس اعتماد عمومی ساکنان به شمار می‌روند.

وجود تعاملات اجتماعی میان ساکنان در جهت همبستگی اجتماعی (پایه‌ی شکل‌گیری سرمایه‌ی اجتماعی) برای دست‌یابی به هدف مشترک است. هر اندازه ساکنان یک محله نسبت به محله‌ی خود احساس تعلق خاطر بیشتری داشته باشند، مطمئناً در برقراری ارتباط همسایگان و سایر اهالی محله مشتاق‌تر خواهند بود. در نهایت، وجود و تداوم این چرخه است که تضمین‌کننده‌ی حیات اجتماعی و عامل تقویت سرمایه‌ی اجتماعی در راستای هویت‌بخشی فضاهای عمومی محله‌ها و احساس تعلق خاطر به محل زندگی و بالابردن کیفیت زندگی در محله‌های شهری خواهد بود.

به طور کلی هدف اصلی هویت محله‌ای بهبود ساختار فضایی و تقویت هویت مکانی از طریق نمادهای اجتماعی در راستای استفاده از سرمایه‌ی اجتماعی است. هویت محله‌ای تعامل انسان و محیط زندگی یا فعالیت‌های انسان در درون این محیط تلقی می‌شود. هدف نهایی هویت محله‌ای ارتباط میان سرمایه‌های اجتماعی و کالبدی می‌باشد. بدین منظور از فرآیندهای اجتماعی برای بهبود هویت و ساختار محله و ایجاد ظرفیت برای توسعه‌ی آتی استفاده گردد. ترکیب این دو جنبه با به کارگیری عناصر شاخص هویت‌دهنده به محله و ایجاد مانوس شدن سکنه‌ی جدید با محله از طریق بالابردن کیفیت محله، استفاده از عوامل وحدت‌بخش برای تثبیت محله به عنوان یک مجموعه، تأمین فضای مناسب جهت برقراری تعاملات اجتماعی، برگزاری اجتماعات محلی، ایجاد نزدیکی و پیوند و امکان تبادل آرا و نظرات در میان ساکنان یک محدوده در قالب فضاهای عمومی، فضاهای فرهنگی، تفریحی و.... می‌تواند سبب تحقق اهداف هویت‌بخشی محله‌ای گردد. با عنایت به بحث‌های مطرح‌شده، چارچوب نظری پژوهش در قالب مدل مفهومی به صورت ذیل تنظیم گردیده است.



شکل شماره‌ی یک- مدل مفهومی پژوهش

فرضیات پژوهش

- ۱- شاخص‌های سرمایه‌های اجتماعی در بین محله‌های شهر ساری در سطح مطلوبی قرار دارد.
- ۲- شاخص‌های سرمایه‌های اجتماعی در هویت‌بخشی فضاهای عمومی محله‌های شهر ساری نقش مؤثری دارند.
- ۳- سهم هر یک از شاخص‌های سرمایه‌ی اجتماعی در هویت‌بخشی فضاهای عمومی محله‌های شهر ساری به صورت مساوی نمی‌باشند.

روش پژوهش

روش تحقیق در مقاله‌ی حاضر به صورت توصیفی و تحلیلی - پیمایشی است. روش گردآوری اطلاعات نیز به صورت کتابخانه‌ای و میدانی از طریق پرسش‌نامه در قالب طیف لیکرت طراحی و نقش سرمایه‌ی اجتماعی در هویت‌بخشی محله‌ای از منظر کارکرد فضاهای عمومی شهر ساری بررسی شد. حجم نمونه براساس فرمول کوکران با توجه به جمعیت سال ۱۳۹۵ شهر ساری به تعداد ۲۹۵۰۰۰ نفر، ۳۸۳ نفر تعیین و به روش تصادفی در مناطق و محلات مختلف شهر با توجه به مساحت و اندازه‌ی جمعیت آن طبقه‌بندی شده است. ۳۸۳ عدد نمونه بر اساس جمعیت موجود در مناطق و محلات شهری میان مردم از طیف‌های مختلف توزیع شد. از میان ۳۸۳ نفر حجم نمونه ۳۰۲ نفر مرد و ۸۱ نفر زن بوده است که حداقل سن پاسخ‌گویان ۲۰

سال و حداکثر سن نشان ۶۵ سال است. بیشترین تعداد پاسخ‌گویان ۴۰ تا ۶۵ سال می‌باشد که فراوانی آن ۱۲۴ نفر و ۲۴/۵ درصد پاسخ‌گویان را شامل می‌شود. به لحاظ وضعیت تحصیلات ۱۳/۴ درصد دارای مدرک سیکل، ۳۹/۹ درصد دارای مدرک دیپلم، ۱۱/۲ درصد دارای مدرک کاردانی، ۲۷/۴ درصد دارای مدرک کارشناسی و ۶/۸ درصد دارای مدرک کارشناسی ارشد می‌باشند.

در این پژوهش پایائی پرسش‌نامه یا قابلیت اعتماد آن با استفاده از روش اندازه‌گیری آلفای کرونباخ محاسبه شده است. بر اساس ضریب به دست آمده برای شاخص‌های سرمایه‌ی اجتماعی (۳۳ گویه) برابر ۰/۷۹۲۹ و برای شاخص هویت محله‌ای (۴ گویه) برابر ۰/۸۵۸۱، بالاتر از ۰/۷ نشان می‌دهد پرسش‌نامه از نظر پایایی در سطح مناسب برخوردار می‌باشد.

جدول شماره‌ی یک- آزمون آلفای کرونباخ

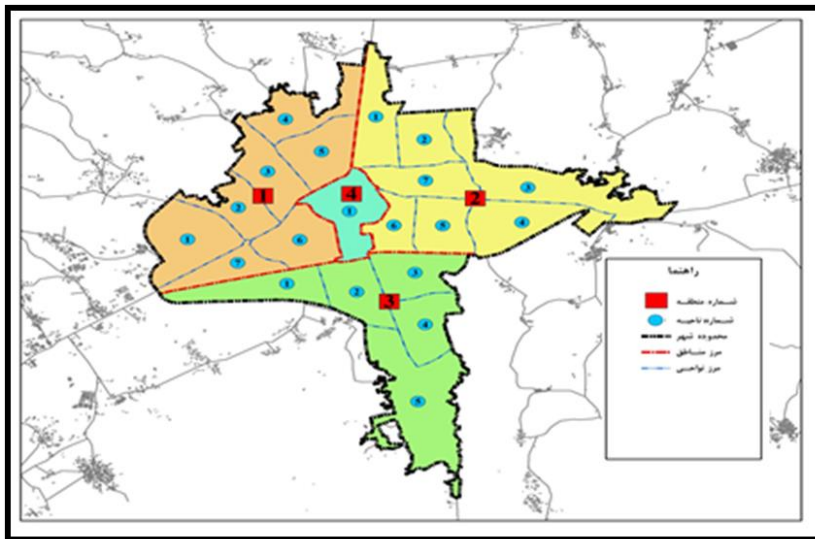
متغیر	تعداد سوال	آلفا
پیوند همسایگی	۶	۰/۷۵۲۲
تعاملات اجتماعی	۶	۰/۷۱۱۷
مشارکت اجتماعی	۷	۰/۷۰۱۸
اعتماد اجتماعی	۸	۰/۸۶۵۷
احساس امنیت	۵	۰/۷۶۲۶
رضایت‌مندی شهروندی	۷	۰/۷۸۶۰
سرمایه‌ی اجتماعی	۳۳	۰/۷۹۲۹
احساس تعلق (هویت)	۴	۰/۸۵۸۱

اطلاعات به‌دست‌آمده از نظرسنجی‌ها و برداشت میدانی در قالب آمارهای توصیفی و استنباطی (آزمون‌های minitab-spss) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

معرفی محدوده‌ی مورد مطالعه

شهر ساری مرکز استان مازندران و شهرستان ساری است. از لحاظ موقعیت جغرافیایی این شهر در طول شرقی ۵۳ درجه و ۳ دقیقه و عرض شمالی ۳۶ درجه و ۳۴ دقیقه واقع شده و ارتفاع متوسط آن از سطح دریای آزاد حدود ۴۰ متر می‌باشد. شهرهای اطراف ساری می‌توان به شهرهای قائمشهر در غرب، نکا در شرق، جویبار در شمال و کیاسر در جنوب اشاره نمود. از لحاظ موقعیت طبیعی، این شهر در جنوب دریای مازندران و در منطقه‌ی جلگه‌ای و نسبتاً مسطح شهرستان ساری

قرار گرفته و تنها قسمت‌های جنوبی و جنوب غربی آن به کوه‌ها و تپه ماهورهای کم ارتفاع منتهی می‌گردد(سال‌نامه‌ی آماری استان مازندران، ۱۳۹۴). طبق سرشماری ۱۳۹۵، شهر ساری دارای ۳۳۱۸۹۰ نفر جمعیت و ۹۰۷۹۸ خانوار می‌باشد. این شهر به لحاظ تقسیمات شهری دارای ۳ منطقه و ۲۰ ناحیه‌ی شهری می‌باشد(سرشماری نفوس و مسکن، ۱۳۹۵).



شکل شماره‌ی دو- منطقه‌بندی نواحی شهر ساری در طرح جامع

یافته‌های پژوهش

بررسی وضعیت مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی در محلات شهر ساری محلات به عنوان یکی از اجزای اصلی تشکیل‌دهنده‌ی سازمان فضایی شهرها، از گذشته‌های دور نقش ویژه‌ای را در ساخت هویت شهرها بر عهده داشته‌اند. در الگوواره‌ی شهر تاریخی ایرانی، محلات ویژگی‌های تکامل‌یافته‌ای داشتند که از جمله مصادیق آن می‌توان به وجود طیفی از فضاهای عمومی اشاره کرد. وجود این طیف از فضاهای عمومی مشترک میان چند خانوار تا مشترک میان تمامی ساکنان محله ضمن ایجاد تنوع در ساختار محلات، امکان برقراری تعاملات اجتماعی در درون محلات را نیز تسهیل می‌کرد.

در این بخش از پژوهش به سنجش سرمایه‌ی اجتماعی در سطح فضاهای عمومی جهت هویت‌بخشی محله پرداخته می‌شود. با توجه به این که فرض نرمال بودن داده‌ها در سطح خطای ۰/۰۵ در قالب آزمون کولموگروف-اسمیرنوف تأیید نشده بود. برای اثبات این فرضیه از روش ناپارامتری استفاده خواهد شد. آزمون به کار رفته در این بخش آزمون، ویلکاکسون یک نمونه‌ای

می‌باشد. برای این که نشان دهیم شاخص‌ها در سطح مطلوب واقع‌اند، باید از نظر آماری مقدار میانه‌ی مشاهده شده بیش‌تر از میانه‌ی مورد انتظار باشد. جدول (۱) نشان‌دهنده‌ی میزان سطح مطلوبیت هریک از شاخص‌های سرمایه‌ی اجتماعی در بین شهروندان محله‌های مورد مطالعه است.

جدول شماره‌ی دو- نتایج آزمون ویلکاکسون جهت سنجش وضعیت مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی

شاخص‌های سرمایه‌ی اجتماعی	میانه‌ی پاسخ مشاهده شده	میانه‌ی مورد انتظار	آماره ویلکاکسون	سطح معناداری
تعاملات اجتماعی	۱۷	۱۸	۱۱۳۸۷/۵	۰/۹۹۹
مشارکت اجتماعی	۲۳	۲۱	۴۵۴۷۵/۵	۰/۰۰۰
اعتماد اجتماعی	۲۱	۲۴	۱۲۳۳۳	۰/۹۹۹
احساس امنیت	۱۶	۱۵	۳۶۳۳۷	۰/۰۰۰
رضایت‌مندی شهروندی	۲۴	۲۱	۵۴۷۱۲	۰/۰۰۰

همان گونه که بر اساس آزمون ویلکاکسون مشاهده می‌گردد، سطح معناداری در متغیرهای مشارکت اجتماعی $۴۵۴۷۵/۵$ و احساس امنیت ۳۶۳۳۷ از $۰/۰۵$ کم‌تر است که نشان‌دهنده‌ی وضعیتی بالاتر از حد مطلوب این شاخص‌ها می‌باشند. ولی در شاخص‌های تعاملات اجتماعی $۱۱۳۸۷/۵$ و اعتماد اجتماعی ۱۲۳۳۳ و رضایت شهروندی ۵۴۷۱۲ مقدار احتمال به‌دست‌آمده از آن جایی که این مقدار بیش‌تر از خطای $۰/۰۵$ می‌باشد، لذا این دو شاخص در وضعیتی پایین‌تر از حد مطلوب می‌باشند. به عبارت دیگر شاخص‌های سرمایه‌های اجتماعی در بین شهروندان محلات شهر ساری دارای سطح مطلوب و قابل قبول بوده است.

به منظور بررسی توزیع شاخص‌های سرمایه‌ی اجتماعی در محلات مناطق مختلف شهر ساری از آزمون فریدمن استفاده شده است. جدول (۲) نشان‌دهنده‌ی میانگین رتبه‌ای شاخص‌های سرمایه‌ی اجتماعی در مناطق مورد مطالعه براساس نظرسنجی از شهروندان ساکن در محلات مختلف شهر ساری است.

جدول شماره‌ی سه - میانگین رتبه‌ای شاخص‌های سرمایه‌ی اجتماعی در محلات مناطق مختلف شهر ساری

شاخص	منطقه‌ی یک	منطقه‌ی دو	منطقه‌ی سه	منطقه‌ی چهار (مرکزی)
	میانگین	۲/۲۳	۲/۱۳	۲/۱۰
رتبه	۲	۳	۴	۱
میانگین	۳/۸۵	۳/۶۷	۳/۶۹	۳/۰۳
رتبه	۱	۳	۲	۴
میانگین	۱/۶۶	۲/۱۰	۱/۸۰	۲/۱۸
رتبه	۴	۲	۳	۱
میانگین	۳/۱۴	۳/۰۲	۳/۲۷	۳/۰۳
رتبه	۲	۴	۱	۳
میانگین	۴/۱۲	۴/۰۹	۴/۱۴	۴/۲۶
رتبه	۳	۴	۲	۱

براساس نتایج آزمون و رتبه‌بندی شاخص‌ها در مناطق چهارگانه‌ی شهر ساری از نظر شاخص تعاملات اجتماعی منطقه‌ی چهار دارای رتبه‌ی اول و منطقه‌ی سه دارای رتبه‌ی چهارم، از نظر شاخص مشارکت اجتماعی منطقه‌ی یک دارای رتبه اول و منطقه‌ی چهار دارای رتبه‌ی چهارم، از نظر شاخص اعتماد اجتماعی منطقه‌ی چهار دارای رتبه اول و منطقه‌ی یک دارای رتبه‌ی چهارم، از نظر شاخص احساس امنیت منطقه‌ی سه دارای رتبه اول و منطقه‌ی دو دارای رتبه‌ی چهارم و از نظر شاخص رضایت شهروندی منطقه‌ی چهار دارای رتبه‌ی یک و منطقه‌ی دو دارای رتبه‌ی چهارم است. همان‌گونه که براساس آزمون فریدمن مشاهده می‌گردد، از روی مقادیر میانگین رتبه‌ای به-دست‌آمده، می‌توان بیان داشت شاخصی که میانگین بالاتر دارد، در ناحیه‌ی مربوطه رتبه‌ی بالاتر خواهد داشت. شاخص‌های سرمایه‌ی اجتماعی در بین نواحی شهر ساری به صورت یکسان توزیع نشده است.

بررسی نقش شاخص‌های سرمایه‌های اجتماعی در هویت‌بخشی فضاهای عمومی محله‌های

شهر ساری

برای بررسی سنجش احساس تعلق محله‌ای در محله از ۴ گویه استفاده شده است که نتایج

آن در جدول شماره‌ی چهار ارائه شده است:

جدول شماره ی چهار- سنجش احساس تعلق محله ای(هویت) در محله

ردیف	گویه	میانگین	انحراف معیار
۱	تا چه حد به ادامه ی زندگی در همین محله تمایل دارید؟	۲۲/۳	۱/۰۶
۲	تا چه حد حاضرید زندگی در این محله را به دوستان و بستگان خود پیشنهاد کنید؟	۳/۳۷	۱/۱
۳	تا چه حد نسبت به محله ی خود احساس تعلق می کنید؟	۲/۲۵	۱/۲۲
۴	به نظر شما تا چه حد مسوولین شهر به محله ی شما توجه دارند؟	۴/۵۲	۰/۵۸

بر اساس نتایج به دست آمده از ارزیابی احساس تعلق محله ای در سطح محلات شهر ساری نشان داد پاسخ به سوالات از متوسط میانگین عدد (۳) بالاتر بوده. احساس تعلق شهروندی بالاتر از حد متوسط بوده که توجه مسوولین به محله با میانگین برابر ۴/۵۲ بیشترین امتیاز و عدم احساس تعلق به محله با میانگین برابر ۲/۲۵ کمترین امتیاز را به خود اختصاص داده است.

جهت تعیین سهم متغیر وابسته (هویت فضاهای عمومی محلات) و متغیر مستقل (سرمایه ی اجتماعی) در سطح محلات شهر ساری و میزان تأثیرگذاری متغیر مستقل بر متغیر وابسته از ضریب همبستگی اسپیرمن و مدل رگرسیون استفاده شده است. با توجه به توزیع غیر نرمال داده ها، آزمون به کار رفته در این بخش آزمون همبستگی اسپیرمن می باشد. جدول (۳) نشان دهنده ی میزان رابطه و تأثیر هر یک از شاخص های سرمایه ی اجتماعی بر هویت بخشی فضاهای عمومی محله ی مورد مطالعه است.

جدول شماره ی پنج- نتایج آزمون همبستگی اسپیرمن و مدل رگرسیون بین شاخص های سرمایه ی اجتماعی

با هویت

متغیر وابسته: هویت				تعداد نمونه	ضریب همبستگی اسپیرمن	ضریب تعیین %	سطح معناداری
متغیر مستقل	تعاملات اجتماعی	۳۸۳	۰/۲۴۷	۶/۱۰	۰/۰۰۰		
	مشارکت اجتماعی	۳۸۳	۰/۳۵۳	۱۲/۴۶	۰/۰۰۰		
	اعتماد اجتماعی	۳۸۳	۰/۳۸۴	۱۴/۷۵	۰/۰۰۰		
	احساس امنیت	۳۸۳	۰/۴۸۰	۲۳/۰۳	۰/۰۰۰		
	رضایت مندی شهروندی	۳۸۳	۰/۶۹۰	۴۷/۶۱	۰/۰۰۰		

همان گونه که بر اساس آزمون همبستگی اسپیرمن مشاهده می‌گردد، سطح معناداری از ۰/۰۵ کم‌تر است که نشان می‌دهد تمام شاخص‌های سرمایه‌های اجتماعی در هویت‌بخشی به فضاهای عمومی محلات شهر ساری نقش مؤثر دارند که این ارتباطها همگی دارای جهت مثبت می‌باشند. به عبارت دیگر یعنی رابطه‌ی معناداری و مثبت بین شاخص‌های سرمایه‌ی اجتماعی و هویت فضاهای عمومی محله وجود دارد. البته قابل ذکر است با توجه به ضرایب همبستگی، از میان شاخص‌های سرمایه‌ی اجتماعی، تعاملات اجتماعی با ضریب ۰/۲۴۷ دارای کم‌ترین رابطه و رضایت‌مندی شهروندی با ضریب ۰/۶۹ دارای بیش‌ترین رابطه می‌باشند.

برای تعیین میزان تأثیرگذاری متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته از تکنیک رگرسیون و ضریب مدل استفاده شده است که سهم هر یک از شاخص‌ها برآورد گردید. جدول (۴) نشان- دهنده‌ی میزان سهم هر یک از شاخص‌های سرمایه‌ی اجتماعی بر هویت‌بخشی فضاهای عمومی محله‌های مورد مطالعه است.

جدول شماره‌ی شش- بررسی اثر هم‌زمان ابعاد سرمایه‌ی اجتماعی بر متغیر وابسته‌ی هویت‌بخشی

T-TEST			برآورد پارامتر		Wald test			R ²	برآورد M هوبر	RSE ¹	
P	df	T	انحراف معیار	ضریب مدل	P	df	آماره				
۰/۰۱۲	۳۷۷	۲/۵۰	۰/۳۳	۱/۶۵	۰/۰۰۰	۵	۱۴۱/۸۲	۵۲/۲	۱۸/۴۷	۱/۸۱۹	مقدار ثابت
۰/۲۰۹	۳۷۷	۱/۲۶	۰/۰۳۱	۰/۰۳۹۲							تعاملات اجتماعی
۰/۱۰۷	۳۷۷	۱/۶۱	۰/۰۲۷	-۰/۰۴۴							مشارکت اجتماعی
۰/۰۰۰	۳۷۷	۶/۷۱	۰/۰۲۴	۰/۱۶۴							اعتماد اجتماعی
۰/۴۳	۳۷۷	۰/۷۸	۰/۰۵۰	۰/۰۳۹۴							احساس امنیت
۰/۰۰۰	۳۷۷	۱۱/۲۹	۰/۰۲۹	۰/۳۳۲							رضایت- مندی

¹ Residual scale estimate

بررسی نشان می‌دهد در سطح خطای ۰/۰۵ با استفاده از آزمون والد ارتباط هم‌زمان ابعاد سرمایه برقرار بوده است. برآورد شاخص خطا برابر با ۱/۸۱۹ است. همچنین با توجه مقدار ضریب تعیین می‌توان گفت متغیر وابسته متأثر از متغیر مستقل است. به عبارت دیگر بر اساس ضریب تعیین ۵۲.۲ درصد و درصد تبیین واریانس متغیر وابسته هویت‌بخشی با پنج شاخص سرمایه‌ی اجتماعی تبیین می‌شود. ضریب بتا نیز نشان‌دهنده‌ی ارتباط مستقیم بین دو متغیر مستقل و وابسته است. نتایج آزمون T نشان می‌دهد علی‌رغم این که مدل برازشی تأیید شده است، ولی سهم شاخص‌ها در تبیین هویت‌بخشی متفاوت است. به طوری که رضایت‌مندی شهروندی با ضریب ۰.۳۳۲ و آماره تی ۱۱.۲۹ و اعتماد اجتماعی با ضریب ۰.۱۶۴ و آماره تی ۶.۷۱ به ترتیب بیش‌ترین سهم و احساس امنیت با ضریب ۰.۰۳۹۴ با آماره تی ۰.۷۸ کم‌ترین سهم را داشته است. در نتیجه از طریق تحلیل رگرسیون می‌توان اذعان نمود که با افزایش سرمایه‌ی اجتماعی در نواحی مورد مطالعه هویت فضاهای عمومی محله‌ها نیز ارتقا می‌یابد. به عبارت دیگر یعنی رابطه‌ی معناداری بین شاخص‌های سرمایه‌ی اجتماعی و هویت‌بخشی فضاهای عمومی محله وجود دارد.

نتیجه‌گیری

در گذشته (محله) از طریق مکان‌های عمومی مرکزی مشخص می‌شدند که کانون تشکیل جلسات سنتی مثل بازار یا میدان شهر بودند. این اماکن، محل ملاقات دوستان و هم‌سالان بودند؛ اما امروزه فناوری ارتباطات در همه جا، چالش‌هایی را در جهت شناخت مطلوب، (مکان عمومی) به وجود آورده است. (هویت محله‌ای) و احساس تعلق، دیگر خیلی کم‌تر از آجرها و مصالح به کار رفته در ساختمان‌ها مشتق می‌شود (فت، ۲۰۰۴: ۸-۹). از زمان اختراع ابزار مدرن حمل‌ونقل و ارتباطات جهانی، این حس تعلق به مکان و روابط همسایگی (جدا از روابط خانوادگی و خویشاوندی) که نزدیک‌ترین و مناسب‌ترین راه تشکیل جامعه را فراهم آورده است، اهمیت خود را کم از دست داده است. نقشی که محله در این عصر جدید بازی می‌کند تغییر کرده است و قضیه‌ای که یک مکان با هویت محله‌ای قوی و محکم باعث تضمین جامعه‌ای قوی شود، مستلزم بازبینی است.

سرمایه‌ی اجتماعی یکی از مؤلفه‌های اصلی پارادایم جدید توسعه است که در دو دهه‌ی اخیر بسیار مورد توجه قرار گرفته است. سرمایه‌ی اجتماعی منبعی است که میراث روابط اجتماعی بوده

و کنش جمعی را تسهیل می‌کند. این منبع از طریق اجتماعی‌شدن مناسب حاصل می‌شود. محله‌ها در ساختار شهر امروز، می‌توانند مبنای بستری مناسب برای افزایش و یا کاهش این مؤلفه‌ی ارزشمند قلمداد شوند. محله‌ها به عنوان یکی از مهم‌ترین فضاهای شهری، مکان شکل‌گیری تعاملات اجتماعی و مراودات شهروندی، مکانی برای شکل‌دهی و تقویت یکپارچگی، انسجام و همبستگی اجتماعی، فرصتی برای گسترش فرهنگ مشارکت و افزایش حس اعتماد عمومی ساکنان به شمار می‌روند. برای این که بتوانیم محله‌ای با هویت داشته باشیم صرفاً به ابعاد کالبدی محله توجه نماییم، بلکه تا حد ممکن باید الگوهای کهن و بومی ساخت و ساز را با استانداردهای جدید شهرسازی تلفیق نموده تا محیطی ایجاد کنیم که دارای سطح بالایی از استانداردهای شهرسازی بوده و هم به نوبه‌ی خود روابط اجتماعی و سرمایه‌ی اجتماعی را افزایش دهیم.

هدف پژوهش حاضر بررسی نقش عوامل اثرگذار سرمایه‌ی اجتماعی در هویت‌بخشی فضاهای عمومی محله‌های شهر ساری است. بنابراین در صورت تحقق این رابطه مسیر درون‌زا و پایدار برای هویت فضاهای عمومی محله‌ای تأیید می‌شود. با رشد و گسترش پیکره‌ی شهر ساری و به موجب آن دگرگون‌شدن فرهنگ شهرنشینی از آن دوران، محله مفهوم سابق خود را نزد مردم از دست داده و هویت محله‌ای کم‌رنگ شده است. لذا در راستای هویت‌بخشی محله‌های شهری و برقراری ارتباطات و تعاملات و اجتماعات محلی قوی ساکنین، شناخت مؤلفه‌های تأثیرگذار سرمایه‌ی اجتماعی محله‌های شهر ساری ضرورت پیدا می‌کند. با توجه به نظرسنجی از ۳۸۳ شهروند در محلات مختلف شهر ساری، وضعیت مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی و میزان اثرگذاری آن‌ها در هویت فضاهای عمومی محله‌های شهر ساری مورد سنجش قرار گرفته است که نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد رابطه‌ی مثبت و معناداری بین شاخص‌های سرمایه‌ی اجتماعی و هویت-بخشی فضاهای عمومی محله‌ای برقرار است. یافته‌ها نشان‌دهنده‌ی وجود نابرابری و تفاوت معنادار بین نواحی ساری از نظر مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی است. بین مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی، رضایت شهروندی (۲۳.۹۵) دارای بیش‌ترین میانگین و احساس امنیت (۱۵/۵۱) کم‌ترین را میان نواحی شهر به خود اختصاص داده است. نتایج تحقیق حاضر گویای این واقعیت است که شهر ساری از نظر مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی در وضعیت مطلوبی قرار دارد. بافت مرکزی و حاشیه‌ی آن نسبت به مناطق جدید توسعه یافته و حاشیه‌ای شهر از سرمایه‌ی اجتماعی و احساس تعلق مکانی بالاتری برخوردار می‌باشند. در قالب تکنیک رگرسیون میزان تأثیرگذاری متغیرهای سرمایه-

ی اجتماعی بر هویت محله‌ای نشان داده براساس ضریب تعیین ۵۲.۲ درصد تغییرات واریانس متغیر وابسته هویت بخشی با پنج شاخص سرمایه‌ی اجتماعی تبیین می‌شود. ضریب بتا و نتایج آزمون T نشان می‌دهد سهم شاخص‌ها در تبیین هویت بخشی متفاوت است؛ به طوری که رضایت‌مندی شهروندی با ضریب ۰.۳۳۲ و آماره تی ۱۱.۲۹ و اعتماد اجتماعی با ضریب ۰.۱۶۴ و آماره تی ۶.۷۱ به ترتیب بیش‌ترین سهم و احساس امنیت با ضریب ۰.۰۳۹۴ با آماره تی ۰.۷۸ کم‌ترین سهم را داشته است. در خصوص نتیجه‌ی تحلیل رگرسیون می‌توان اذعان نمود بین شاخص‌های سرمایه‌ی اجتماعی و هویت بخشی فضاهای عمومی محله رابطه‌ی معنادار وجود دارد. یعنی با افزایش سرمایه‌ی اجتماعی در نواحی مورد مطالعه هویت فضاهای عمومی محله‌ها نیز ارتقا می‌یابد.

بنابراین نتایج پژوهش ضمن تأیید رابطه‌ی بین فضای عمومی با ابعاد گوناگون سرمایه‌ی اجتماعی و از پژوهش‌های پیشین در این زمینه مانند یافته‌های همیلتون (۲۰۱۰)، نادری (۱۳۸۸) و اکرم ایجلا (۲۰۱۲) حمایت می‌کند. از نظر همیلتون، افزایش استفاده از فضاهای عمومی نظیر میدان، زمین فوتبال و کتاب‌خانه، اثر مثبت بر سرمایه‌ی اجتماعی و بالاخص اعتماد بین شخصی، شبکه‌ها و مشارکت داشته است (همیلتون، ۲۰۱۰). از نظر ایجلا؛ محلاتی که دارای فضاهای عمومی و فضاهای باز نمودی بهتری هستند، دارای سرمایه‌ی اجتماعی و ارتباط چهره به چهره بیش‌تر و میزان جرم و جنایت کم‌تر بوده است (ایجلا، ۲۰۱۲). نتایج این پژوهش به طور ضمنی از نظریه‌ی کارمونا و همکاران (۲۰۰۳) و همچنین هاروی (۱۹۷۳) حمایت می‌کند؛ چراکه مشخص شده است بعد کالبدی (فضا) تأثیری مستقیم بر بعد اجتماعی (فعالیت) داشته و در واقع از آن حمایت نموده و زمینه‌ی آن را ایجاد کرده است (مدیری و ادهمی، ۱۳۹۳: ۲۰۹). در واقع سرمایه‌ی اجتماعی به عنوان یکی از فرآیندهای اجتماعی، تابعی از شبکه فضایی شهر می‌باشد که البته در این پژوهش یافته‌ها ناظر بر محلات شهری می‌باشند.

منابع

- (۱) ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا. (۱۳۸۰) بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در نواحی روستایی شهرستان کاشان. نام‌ه علوم اجتماعی، ۱۷(۱۷)، ۲-۲
- (۲) آنامرادنژاد، رحیم بردی؛ ملکی، سعید؛ رزمگیر، فاطمه و لیلا کشتکار (۱۳۹۶) «تحلیل ویژگی‌های یک محله‌ی سالم از دیدگاه شهروندان(نمونه‌ی موردی: محله‌ی ۳ شهر ایوان)»، فصل-نامه‌ی آمایش محیط، شماره‌ی ۴۵: ۲۴-۱.
- (۳) بیضایی، میترا؛ شکیبا، امین و محمدرضا نقصان محمدی (۱۳۹۶) «مطالعه‌ی تطبیقی مراکز محل‌های شهر یزد بر مبنای شاخص‌های مرکز محله‌ی ایده‌آل با رویکرد تحلیلی FMEA، مطالعه-ی موردی: مرکز محله‌ی یعقوبی در بافت تاریخی و پشت سیلو در بافت جدید شهر یزد»، فصل-نامه‌ی مطالعات شهری، شماره‌ی ۲۵: ۱۶-۳.
- (۴) پاک سرشت، سلیمان (۱۳۹۳) «ملاحظات و راهبردهای ارتقای سرمایه‌ی اجتماعی»، راهبرد فرهنگ، بهار، ۷ (۲۵): ۷۱-۱۰۴
- (۵) توسلی، محمود و ناصر بنیادی (۱۳۷۱) طراحی فضای شهری و جایگاه آن در زندگی و سیمای شهری، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- (۶) حبیب، فرح؛ نادری، سیدمجید؛ جهانشاهلو، لعلا و فروزانگهر، حمیده (۱۳۸۸) سنجش چارچوب ارزیابی سرمایه‌ی اجتماعی در ساختار شهر با تأکید بر نقش فضاها‌ی عمومی؛ مطالعه‌ی موردی: شهر تهران، هویت شهر، شماره‌ی دوازده، سال ششم: ۱۴-۵.
- (۷) حبیبی، سیدمحسن (۱۳۸۲) «چگونگی الگوپذیری و تجدید سازمان استخوان‌بندی محله»، دانشگاه تهران، نشریه‌ی هنرهای زیبا، شماره‌ی ۱۳: ۳۹-۳۲
- (۸) حیدرآبادی، ابوالقاسم (۱۳۸۹) «اعتماد اجتماعی و عوامل اجتماعی- فرهنگی مؤثر بر آن (مطالعه‌ی موردی: جوانان ۲۰ تا ۲۹ ساله‌ی استان مازندران)»، جامعه‌شناسی مطالعات جوانان، ۱ (۱): ۶۹-۳۳
- (۹) ربیعی نژاد، تحسین و عباس ارغان (۱۳۹۶) «نقش سرا محله‌ها بر افزایش حس تعلق به محله (مطالعه‌ی موردی: ناحیه‌ی یک منطقه‌ی ۱۴ تهران)»، همایش بین‌المللی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی، دانشگاه تهران.

- ۱۰) رحیمی روح اله، انصاری مجتبی، بمانیان محمدرضا و مهدوی نژاد محمدجواد (۱۳۹۹) « رابطه حس تعلق به مکان و مشارکت در ارتقای سرمایه اجتماعی سکونتگاه های غیر رسمی (مطالعه موردی: ترک محله شهر ساری)» فصلنامه معماری و شهرسازی پایدار، دوره ۸، شماره ۱: ۱۵-۲۹
- ۱۱) رضایی، مریم؛ میرساردو، طاهره؛ و زهرا رضایی (۱۳۹۶) «بررسی رابطه ی سرمایه ی اجتماعی با احساس امنیت اجتماعی زنان»، فصلنامه ی انتظام اجتماعی، تابستان، ۹ (۲): ۷۴-۴۹
- ۱۲) سالنامه ی آماری استان مازندران (۱۳۹۰) استاندار مازندران، معاونت برنامه ریزی.
- ۱۳) سرایی محمدحسین و اشنویی امیر (۱۳۹۴) « ارزیابی هویت محله ای در شهر جهرم» فصلنامه پژوهشهای جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دوره ۳، شماره ۱: ۸۴-۶۹
- ۱۴) سرشماری عمومی نفوس مسکن (۱۳۹۵) مرکز آمار ایران.
- ۱۵) سلاورزی زاده محمد، شیخی حجت و شکاری زینب (۱۳۹۷) « تحلیل و ارزیابی نقش سرمایه اجتماعی در توسعه پایدار محلهای (مطالعه موردی: شهر ایلام)» فصلنامه علمی - پژوهشی برنامه ریزی توسعه کالبدی، دوره ۵، شماره ۱: ۱۳۶-۱۲۳
- ۱۶) شایگان، فریبا؛ امین صارمی، نوذر و زینب عباسی (۱۳۹۴) «سرمایه ی اجتماعی و احساس امنیت (مورد مطالعه: دانش آموزان دبیرستانی منطقه ی ۴ تهران)»، فصلنامه ی برنامه ریزی رفاه و توسعه ی اجتماعی، دوره ۶، شماره ۲۳: ۹۱-۱۲۲.
- ۱۷) شیعه، اسماعیل و سهیلا پورحیدری (۱۳۹۳) «بررسی نقش عوامل کاربری زمین در کیفیت پایداری اجتماعی شهر (نمونه ی موردی: شهر محمدیه)»، همایش ملی نظریه های نوین در معماری و شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی قزوین.
- ۱۸) غروی الخوانساری، مریم (۱۳۹۳) «از محله ی سنتی تا محله ی معاصر؛ کندوکاوی در راهکارهای احیای هویت محلی در شهر امروز»، معماری و شهرسازی آرمان شهر، شماره ی ۲۱: ۶۱-۷۶.
- ۱۹) قاسمی اصفهانی، مروارید (۱۳۸۳) اهل کجا هستیم ؟ هویت بخشی به بافت های مسکونی، تهران: انتشارات روزنه.

۲۰) قاسمی، احمد؛ شمس، مجید و غلامرضا امینی‌نژاد (۱۳۹۶) «مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی در نواحی مختلف شهری (مطالعه‌ی موردی: شهر برازجان)»، فصل‌نامه‌ی آمایش محیط، شماره‌ی ۴۲: ۱۱۷-۱۳۷.

۲۱) ماجدی، حمید؛ منصوررضای، مجید و الهام منصوروی (۱۳۹۳) «تأویل کارکرد شناختی فضاهای عمومی محل‌های از منظر هویت نمونه‌ی موردی: محله‌ی نازی آباد و تهران تهران»، فصل‌نامه‌ی تحقیقات فرهنگی ایران، ۷ (۴): ۶۱-۳۹.

۲۲) مدیری، آتوسا و قاسم ادهمی (۱۳۹۳) «تبیین نقش فضاهای عمومی در ارتباط با سرمایه‌ی اجتماعی (مطالعه‌ی موردی: شهر آمل)»، فصل‌نامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی - فرهنگی، ۳ (۴): ۲۱۲-۱۸۵.

۲۳) منصوررضایی، مجید؛ مدیری، آتوسا و مجتبی رفیعیان (۱۳۹۰) «روشی برای تحلیل خصیصه‌های باهمستانی در نظام محلات شهری»، فصل‌نامه‌ی معماری و شهرسازی، شماره‌ی ۱۰: ۸۹-۶۹.

۲۴) نیازی، محسن؛ حسینی‌زاده آرانی، سیدسعید؛ سخایی، ایوب و حسین امام‌علیزاده (۱۳۹۵) «فرا تحلیل مطالعات و تحقیقات سرمایه‌ی اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی»، فصل‌نامه‌ی انتظام اجتماعی، شماره ۱: ۳۴-۱.

۲۵) هنرور، محسن؛ پاسیان خمیری، رضا و محدثه طراوت (۱۳۹۴) «ارزیابی مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی در شهر ایرانی از دریچه‌ی متون کهن ادبیات فارسی»، باغ نظر، سال دوازدهم، شماره‌ی ۳۳: ۵۸-۴۱.

26) Atkinson. R.. 8 Blandy. S. (2005). Inrtroduction: international perspectives on the new enclavism and the rise of gated vommunities. Housing Studies. Vol. 20(2).

27) Brehm, J. M., Eisenhauer B. W. and Kranich, R. S. (2006). Community Attachments As Predictors of Local Environmental Concern. American Behavioral Scientist. 50(1),142-165.

28) Coleman.J.S(1998).Socail capital in the creation of human capital .American journal of Sociology.

29) Cowan.R. (2005).The dictionary of Urbanism. Great Britain: Streetwise press.

30) Debbie L. Bettina V Hoven. P P. (2015) Under standing older adults' social capital in place: Obstacles to andopport unities for social contacts in the neighbourhood. Geoforum. vol(9).

31) Hamilton, N. (2010) «Public Space and Social Capital Among Former Slum Residents:Data from Eight Neighborhoods in Santiago, Chile», Columbia University School of International Affairs and Public Administration, 3:1-11.

32) Ijla, A. (2012) «Does public space create social capital? », International Journal of Sociology and Anthropology, 4(2):48-53.

33) Lipton. . S (2003). The value of public space :How high quality parks and public spaces create economic . social and environmental value.Available from www.cabespace.org.uk.

34) Robertson D., Smyth, J. & Mcintosh, I. (2008). “Neighborhood Identity People,Time And Place”. Joseph Rowntree Foundation

35) Robertson, D., Smyth, J. & Mcintosh, I. (2008). Neighbourhood Identity, People,Time And Place. Stirling University.